

The requirements of Iran's legal system in prohibiting the marriage of people under the age of eighteen

Atefeh Abbasi¹  | Fatima Salehinejad² 

1. Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Sisters Campus of Imam Sadiq University (AS),

atefehabbasi@isu.ac.ir

2. Doctoral student of private law, aghighesabz7@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Received:

2024/08/06

Received in revised form:

2024/08/23

Accepted:

2024/09/09

Keywords:

child, adolescent, marriage, Iranian legal system, maturity.

Abstract

Marriage is one of the fundamental social institutions and falls within the scope of inherent human rights, playing a crucial role in the physical and psychological well-being of individuals. However, child and adolescent marriages, due to their irreparable consequences—particularly for the health of girls—have become a significant challenge. According to international legal instruments, the minimum accepted age for marriage is eighteen years, and marriages below this age are prohibited. In Iran, following the predominant view of Shia jurisprudence, the minimum marriage age is set at thirteen for girls and fifteen for boys, with marriages below this age permitted under specific conditions. Given the physical and psychological harms associated with early marriage, this study, using a library-based method and a descriptive-analytical approach, aims to identify the capacities of the Iranian legal system—including Islamic jurisprudence, domestic laws and regulations, international instruments, and judicial opinions—to prohibit marriages for individuals under eighteen years of age. The study demonstrates the necessity of distinguishing the age of religious responsibility from the age of entitlement to social and civil rights, ultimately proposing the age of eighteen as the legal marriage age, due to the attainment of maturity by minors at this age.

How To Site

Abbasi, Atefeh; Salehinejad, Fatima (2024). The requirements of Iran's legal system in prohibiting the marriage of people under the age of eighteen. *Journal of Judgment*, 15(3), 37-58.

<http://doi.org/10.22034/judg.2024.2037717.1313>

DOI

10.22034/judg.2024.2037717.1313

Publisher

University of Tehran Press



بایسته‌های نظام حقوقی ایران در منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال

عاطفه عباسی^۱ | فاطمه صالحی نژاد^۲

۱. استادیار حقوق جزا و جرم شناسی پردیس خواهران دانشگاه امام صادق (ع)، رایانامه: atefehabbasi@isu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، رایانامه: aghhighesabz7@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
<p>ازدواج یکی از نهادهای مهم اجتماعی و در زمره حقوق ذاتی بشری است که نقش حساسی بر تمام ابعاد سلامت جسمی و روانی انسان دارد. لکن ازدواج کودکان و نوجوانان به دلیل آثار غیرقابل جبرانی که بر آنان و به خصوص سلامت دختران دارد، به یکی از چالش‌های مهم تبدیل شده به نحوی که بر اساس اسناد بین‌المللی، حداقل سن پذیرفته شده برای ازدواج هجده سال است و ازدواج زیر این سن ممنوع شده است. در کشور ما به تاسی از نظر مشهور فقهای امامیه، حداقل سن ازدواج سیزده سال برای دختران و پانزده سال برای پسران است و ازدواج زیر این سن نیز با رعایت شرایطی مجاز دانسته شده. با توجه به آسیب‌های جسمی و روحی که ازدواج زودهنگام بر جای خواهد گذاشت، این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و با رویکردی توصیفی - تحلیلی، به شناسایی ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران مشتمل بر فقه، قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و آرای محاکم قضایی در منع ازدواج افراد زیر هجده سال پرداخته و لزوم تفکیک سن مسئولیت عبادی از سن بهره‌مندی از حقوق اجتماعی و مدنی را اثبات کرده و در نهایت سن هجده سالگی را به دلیل رسیدن کودک به سن رشد، برای سن قانونی ازدواج پیشنهاد داده است.</p>	<p>نوع مقاله: علمی - تخصصی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۶/۰۲</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۹</p> <p>کلیدواژه: کودک، نوجوان، ازدواج، نظام حقوقی ایران، بلوغ.</p>
<p>عباسی، عاطفه؛ صالحی نژاد، فاطمه (۱۴۰۳). اشتباه در شخص در جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص با رویکردی به نظریه شرع انتقال یافته، فصلنامه قضاوت، ۱۱۵ (۳)، ۳۷-۵۸.</p>	استناد
<p>http://doi.org/10.22034/judg.2024.2037717.1313</p>	DOI
<p>10.22034/judg.2024.2037717.1313</p>	DOI
	ناشر انتشارات دادگستری کل استان تهران

مقدمه

خانواده نخستین و مهم‌ترین رکن جامعه است و از آنجایی که سعادت و شقاوت افراد به خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کنند گره خورده، چگونگی ازدواج و تشکیل خانواده اهمیت بسزایی خواهد داشت، چراکه اگر کارکردهای اصلی ازدواج - که عبارتند از تولید نسل، تأمین نیازهای جنسی و عاطفی، تربیت فرزندان، رسیدن به آرامش و... - محقق نشود، افراد خانواده دچار آسیب‌های جبران‌ناپذیری خواهند شد.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که همواره محل بحث و بررسی حقوقدانان و پژوهشگران در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها بوده، تعیین سن مناسب ازدواج است، چه اینکه ازدواج زود هنگام نه تنها قادر به تأمین کارکردهای مورد انتظار نیست، بلکه می‌تواند منشاء ورود آسیب‌های جبران‌ناپذیری به افراد و به تبع آن به جامعه شود. قانونگذار کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست و قوانین کشور از حیث تعیین حداقل سن ازدواج، از ابتدا تاکنون دستخوش تحولات فراوانی بوده. در حال حاضر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاحی مصوب ۱۳۸۱) که حداقل سن ازدواج را برای دختران سیزده سال و برای پسران پانزده سال دانسته و ازدواج قبل از این سن را نیز با شرایطی پذیرفته، ملاک عمل می‌باشد.

با توجه به ایرادات فراوانی که بر ماده فوق بار می‌شود، در سال ۱۳۹۷ و به منظور اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، طرحی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ارائه شد که سن ازدواج را برای دختران به شانزده سال و برای پسران به هجده سال افزایش داده بود، لیکن طرح مزبور به دلیل مخالفت با احکام فقهی، مغایرت با حقوق انسانی افراد معلول و فاقد قابلیت جسمانی، مغایرت با اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی، افزایش آمار عدم ثبت ازدواج، و عدم ضرورت با توجه به وضعیت کنونی جامعه، مورد موافقت قرار نگرفت (اظهار نظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ۱۳۹۸ و گزارش رد، ۱۳۹۷).

به نظر می‌رسد دلایل فوق برای رد طرح مزبور قابل خدشه است و موجه نیست، زیرا:

- با کمی تعمق در مبانی و منابع فقهی و حتی فتاوی مراجع معاصر^۱، روشن می‌شود که در خصوص سن بلوغ و به تبع آن سن ازدواج، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد^۲ و لذا نمی‌توان به صرف مخالفت با نظر مشهور، در این خصوص حکم به مخالفت با احکام فقهی داد.
- الزام به تأیید صحت جسمی دختران سیزده تا شانزده سال و پسران شانزده تا هجده سال توسط پزشکی قانونی نیز به هیچ وجه مغایر با حقوق انسانی افراد معلول نیست، چراکه اولاً رعایت چنین الزامی محدود به یک بازه دو تا سه ساله بوده و همه عمر فرد را دربر نمی‌گیرد و ثانیاً مقصود از صحت جسمی داشتن توانایی ایفای وظایف زناشویی است که اساس عقد نکاح بر آن استوار است و برخورداری از آن در بازه مورد نظر محل تردید است.
- ایراد مخالفت با قانون اساسی نیز وارد نیست، چراکه بر اساس نامه شماره ۲۱۷۱ به تاریخ ۱۳۸۱/۴/۱۳ رئیس مجلس شورای اسلامی، ماده ۱۰۴۱ پس از تصویب در مجلس به دلیل ایراد شورای نگهبان به مجمع ارسال و در آن مجمع تصویب شده، لذا وفق نظریه شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان که در پاسخ به استعلام مجمع صادر گردیده، در صورتی که مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی باشد، مجلس پس از

^۱ چنانچه هیچ‌یک از علایم بلوغ در دختران (حیض و...) محقق نشد، ملاک تمام شدن سیزده سال قمری است. (صانعی، ۱۳۸۷، ص ۵۰۰)

^۲ برخی از فقها معتقدند که حد بلوغ به حسب سن، نسبت به انواع تکالیف، مختلف است؛ مثلاً روزه پیش از پایان سیزده‌سالگی بر دختران واجب نیست، مگر حیض شوند (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۱۴).

گذشت زمان معتدبه که تغییر مصلحت موجه باشد، حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. بنابراین با توجه به گذشت هجده سال از زمان تصویب، می‌توان با تبیین لزوم تغییر، نسبت به اصلاح آن اقدام نمود.

- افزایش آمار عدم ثبت ازدواج نیز از سویی با پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی مؤثر، تا حد زیادی قابل رفع است و از سوی دیگر، در مقابل آثار مخرب ازدواج زود هنگام از وزن قابل توجهی برخوردار نیست.

این پژوهش درصدد است تا ظرفیت‌های نظام حقوقی ایران را به منظور منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال به دقت مطالعه کند و با خوانشی جدید از منابع موجود، پیشنهاد مناسبی در زمینه منع ازدواج آنها و اصلاح سن قانونی ازدواج ارائه دهد. در این راستا ظرفیت‌های موجود فقه، قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و محاکم قضایی بررسی خواهد شد.

۱. مفهوم‌شناسی مصطلحات

۱-۱. مفهوم کودک

کودک در لغت به معنای کوچک، صغیر، طفل و بچه خردسال انسان - خواه پسر باشد یا دختر - و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده، می‌باشد (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱، ص ۱۶۴۸۱؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۱۱۷؛ عمید، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶۶۱). در اصطلاح حقوقی کودک را چنین تعریف می‌کنند: «پسر و دختری که به بلوغ شرعی نرسیده است، از محجورین است و به محض رسیدن به بلوغ، حجر او محو می‌شود، بدون اینکه احتیاج به صدور حکم از سوی حاکم شرع باشد و اگر پیش از بلوغ به حدی رسد که دارای تمیز باشد، او را صغیر ممیز گویند» (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۲۳۵۲). بنابراین آغاز کودکی زمان تولد طفل^۳ و پایان آن رسیدن به سن بلوغ است.

۲-۱. مفهوم نوجوان

نوجوان در لغت به معنای تازه‌جوان است (عمید، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۲۴) و نوجوانی عموماً به دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی گفته می‌شود (باقری، ۱۳۶۳، ص ۱۴). در اصطلاح حقوقی تعریف مشخص و ثابتی برای این دوران وجود ندارد؛ با این حال، بنا به تعریفی که ماده ۱ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ ارائه می‌دهد، نوجوانی در اصطلاح حقوقی، حد فاصل سن بلوغ تا هجده سالگی است.^۴

۳-۱. مفهوم بلوغ

بلوغ در لغت به معنای رسیدن و کامل شدن هر موجود زنده (عمید، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۷۳) و در اصطلاح حقوقی به معنای رشد فیزیکی و جسمانی است که غالباً سرآغاز تحول فکری (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۸۸۲) و آمادگی برای تولد و تناسل است (امامی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۴۴). سن بلوغ نیز از نظر حقوقی همان سنی است که مشهور فقهای امامیه به‌عنوان ملاک اتخاذ کرده‌اند.^۵

از نظر روانشناسی بلوغ مهم‌ترین دوره برای رشد و تکامل جسمانی، روانی و اجتماعی است که در افراد دوازده تا هجده سال رخ می‌دهد؛ لذا هجده سالگی را پایان دوران بلوغ جسمی و روانی به‌شمار می‌آورند (شریعتمداری، ۱۳۷۵، ص ۱۱۵).

^۳ بنابراین مرحله جنینی جزء کودکی محسوب نخواهد شد.

^۴ نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است.

^۵ تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی: سن بلوغ در پسر ۱۵ سال تمام قمری و در دختر ۹ سال تمام قمری است.

۱. علل ازدواج زودهنگام

ازدواج زودهنگام می‌تواند علل و عوامل مختلفی داشته باشد، لیکن غالباً به دلیل ارتباط‌های خانوادگی، فقر و تدابیر اقتصادی، کنترل روابط جنسی و حفظ عزت خانواده و فرهنگ و آداب و رسوم قومی رخ می‌دهد (مقدادی و جوادی‌پور، ۱۳۹۶، صص ۴۰-۴۲) که بیش از همه گریبان‌گیر دختران است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ازدواج زودهنگام دختران بیشتر در خانواده‌هایی اتفاق می‌افتد که پدر خانواده معتاد، فقیر، بیمار روانی یا بی‌سواد است (افتخارزاده، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳).

۲. پیامدهای منفی ازدواج زودهنگام

بر اساس اعلام سازمان ثبت احوال، تنها در سال ۱۳۹۷ تعداد آمار ثبت شده ازدواج دختران زیر سن سیزده سال برابر با عدد ۱۳۰۵۴ نفر است که با مردانی حتی در سن ۵۰ تا ۶۰ سال ازدواج کرده‌اند (سالنامه آمارهای جمعیتی، سازمان ثبت احوال کشور، ۱۳۹۷).^۶ این در حالی است که ازدواج در سنین کودکی و پیش از رسیدن به سن رشد، آثار و پیامدهای منفی بسیاری به دنبال خواهد داشت که برخی از آنها به قرار زیر است:

آسیب جسمانی: برقراری رابطه زناشویی با دختر نوبالغ، سلامتی جسمی وی را با خطر جدی مواجه می‌سازد و آثار آن می‌تواند تا پایان عمر گریبان‌گیر وی باشد.

تلفات جانی: بر اساس تحقیقات، بین سن مادر و میزان مرگ‌ومیر ناشی از وضع حمل رابطه معنی‌داری وجود دارد و دخترانی که در سنین ده تا چهارده سال باردار می‌شوند، پنج برابر بیش از زنان بارداری که در سن بیست تا بیست و چهار سال قرار دارند، پس از زایمان دچار مرگ می‌شوند. همچنین تلف شدن جنین در این سنین بیشتر اتفاق می‌افتد و اثرات زایمان زودهنگام تا پایان عمر بر جسم مادر باقی می‌ماند.

اختلالات روحی و روانی: ازدواج در سن پایین در بیشتر موارد با اجبار از سوی والدین همراه است. از آنجا که این کار باعث می‌شود که فرد بدون گذراندن دوران کودکی و نوجوانی، یک‌باره پا به عرصه مسئولیت‌های اجتماعی - از جمله خانه‌داری، همسرداری و... - بگذارد، در بلندمدت باعث نارضایتی و مشکلات مزمن روحی و روانی از جمله اضطراب، افسردگی و پرخاشگری می‌شود. همچنین کودکان و نوجوانان متأهل بیشتر در معرض سوءاستفاده و خشونت‌های خانگی هستند.

محرومیت از تحصیل: طبق مقررات، کودکان و نوجوانان پس از ازدواج از حضور در مدارس روزانه منع می‌شوند و بسیاری از آنان با توجه به مشکلات شرکت در مدارس شبانه‌روزی و دیگر تبعات ازدواج زودهنگام، به‌طور کلی قید تحصیل را می‌زنند که این باعث نقصان فرد در رشد اجتماعی می‌شود و جامعه را نیز از داشتن افرادی باسواد، آگاه و برخوردار از مهارت‌های زیستن محروم می‌کند.

مشکلات تربیت فرزند: مطابق آمار، والدین نوجوان از مهارت‌های پایینی برای پرورش فرزند خود برخوردارند و غفلت و سهل‌انگاری و کودک‌آزاری در ایشان بالاتر است.

افزایش طلاق: بسیاری از کودکان و نوجوانانی که زودهنگام ازدواج کرده‌اند، پس از رسیدن به سن رشد و شکل‌گیری شخصیت، بدین بهانه که در زمان نکاح از قدرت تصمیم‌گیری لازم یا کافی برخوردار نبوده‌اند، اقدام به طلاق می‌کنند که تبعات ناشی از این امر برای همگان روشن است (طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ۱۳۹۷).

^۶ www.sabteahval.ir/avej/Page.aspx?mId=49823&ID=3199&Page=Magazines/SquareshowMagazine

علاوه بر این، ازدواج در سنین کودکی و نوجوانی برخی آثار و تبعات منفی حقوقی از جمله ناتوانی در استیفای حقوق مالی به دلیل عدم رشد و مشکلات ناشی از فشارهای نهادهای بین‌المللی و افکار عمومی جهانی را نیز به دنبال خواهد داشت (شکری، ۱۳۸۷، صص ۱۴۸-۱۴۷).

۳. ظرفیت‌های فقه و منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال

۱-۴. فقه امامیه

نخستین منبع فقهی که در مسئله ازدواج کودکان و نوجوانان باید بررسی شود، قرآن کریم است. در قرآن کریم از الفاظ مختلفی برای کودک استفاده شده است. از جمله این الفاظ می‌توان به طفل^۷، صبی^۸، صغیر^۹ و... اشاره کرد. بر اساس برخی آیات^{۱۰} می‌توان گفت که از دیدگاه قرآن، کودکی از زمان تولد آغاز می‌شود و تا زمان بلوغ ادامه دارد، چراکه قرآن کریم پس از بیان مراحل تکوین انسان، می‌فرماید: «ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا»، یعنی شما را به شکل طفلی خارج می‌کنیم؛ پس کودکی از زمان خروج از رحم آغاز خواهد شد. عده‌ای به دلیل اینکه آثار حقوقی و مدنی مربوط به کودک نظیر ارث و وصیت از زمان انعقاد نطفه آغاز می‌شود، شروع کودکی در قرآن را از آن زمان می‌دانند (طوقانی پور، ۱۳۹۰، ص ۳۱)، اما اینکه بلوغ به‌عنوان پایان کودکی چه زمانی فرا می‌رسد، نیازمند بررسی عباراتی چون «بلوغ حلم»، «بلوغ نکاح» و «بلوغ اشد» است که در قرآن کریم به کار رفته‌اند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَصَوُّونَ يُبَايِعُكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ طَوْفًا وَلَكِنْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ * وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نور، ۵۸ و ۵۹).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۷. الطِّفْلُ الَّذِينَ لَمْ يُظْهِرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ (نور، ۳۱).

۸. يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (مريم، ۱۲).

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا (مريم، ۲۹).

۹. وَ أَحْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا (اسراء، ۲۴).

۱۰. هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ (غافر، ۶۷).

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَيْعِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَ نُفِّرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ (حج، ۵).

۱۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید بردگانتان و نیز نوجوانانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند، هنگام ورود به خانه‌های شما، در هر شبانه‌روز سه مرتبه از شما اجازه بگیرند؛ پیش از نماز صبح و در نیمروز، آنگاه که لباس‌های خود را از تن بیرون می‌آورید و پس از نماز عشا. این سه زمان زمان‌هایی هستند که شما دوست نمی‌دارید دیگران از وضع شما در آنها آگاه شوند و شایسته است که بر دیگران پوشیده بمانید. ولی پس از این سه زمان، نه بر شما گناهی است که آنان را به اجازه خواستن فرمان ندهید و نه بر آنان گناهی است که اجازه نگیرند، چراکه رفت‌وآمدشان بر گرد شما بسیار است و همه بر گرد یکدیگر می‌چرخید و اجازه ساختن بی‌درپی ملال‌آور است. خداوند احکام دین خود را که از نشانه‌های اوست این‌گونه برای شما بیان می‌کند و خدا به احکامی که مورد نیاز شماست داناست و آنچه برای شما مقرر می‌دارد بر اساس حکمت اوست. * و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید برای ورود به خانه شما اجازه بگیرند، چنانکه مردان و زنانی که پیش از آنها بالغ شدند، اجازه می‌خواستند. خداوند احکام دین خود را که از نشانه‌های اوست، این‌گونه برای شما به روشنی بیان می‌کند. و خداوند به احکامی که مورد نیاز شماست داناست و آنچه برای شما مقرر می‌دارد، بر اساس حکمت اوست.

«وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَ مَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (نساء، ۶).^{۱۲}

منظور از بلوغ حلم و بلوغ نکاح بلوغ جنسی برای ازدواج، یعنی توان آمیزش و تولید مثل است که در پسر با احتلام و در دختر با حیض ایجاد می‌شود.

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كَانَ دَا قُرْبَىٰ وَ بَعَّهَدِ اللَّهُ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَ صَاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (انعام، ۱۵۲).^{۱۳}

«وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۲۲).^{۱۴}

«وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنْ الْعَهْدُ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء، ۳۴).^{۱۵}

مقصود از بلوغ اشد که پیش شرط سپردن مال به کودک است، رشد عقلی و فکری می‌باشد، لکن از متن آیات شریفه نمی‌توان به سن خاصی دست یافت و این آیات تنها به ضوابط تعیین سن مزبور پرداخته‌اند.

مفسران ذیل آیات فوق، مراد از بلوغ اشد را رسیدن به سنی می‌دانند که قوای جسمانی و عقلانی کامل شده، به رشد و شکوفایی می‌رسد، ولی در این زمینه سنین مختلفی را از پانزده سال تا شصت و دو سال ذکر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۱، ص ۱۱۸؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۳، ص ۵۵ و ج ۴، ص ۱۲؛ فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۴۳۶؛ طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۳۱۸ و ج ۶، ص ۱۱۷).

بنابراین با عنایت به آیات قرآن کریم نمی‌توان معیاری برای سن بلوغ برگزید، چراکه سن در قرآن نه موضوعیت دارد و نه حتی به عنوان اماره رسیدن به بلوغ مطرح است، بلکه به تکوینی و طبیعی بودن مسئله بلوغ اشاره دارد (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۸، ص ۸۶). معیار و ملاک اصلی قرآن برای پایان دوره کودکی و آغاز مسئولیت در دوره بزرگسالی - از جمله مسئولیت کیفی - قدرت و توانایی جنسی (احتلام و حیض) به همراه رشد و توانایی فکری (تحقق بلوغ اشد) است و تعیین سن خاص در امور تکوینی همچون بلوغ امکان‌پذیر نیست.

منبع دیگر فقهی روایات است که در رابطه با این موضوع به چند دسته کلی تقسیم می‌شوند. برخی روایات سخنی از سن به میان نیاورده و صرفاً به نشانه‌های جسمی بلوغ اشاره کرده‌اند^{۱۶} (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵ و ج ۱۷، ص ۳۶۰). برخی دیگر

^{۱۲} و یتیمان را بیازمایید تا آنگاه که به حد ازدواج برسند. پس اگر در آنان بصیرتی یافتید که می‌توانند بر اساس آن در مصرف مال خردورزی کنند، اموالشان را به آنان بدهید و آن را به اسراف (بی‌آنکه حق و حقوقی در آن داشته باشید) مخورید و مبادا از ترس اینکه چون بزرگ شوند و شما را از تصرف در اموالشان باز دارند، اینک فرصت را مغتنم شمرده و از آن بهره‌برداری کنید. و اگر اموالشان را در تجارت به کار می‌برید، هرکه توانگر است، از گرفتن کارمزد خودداری کند و هرکه فقیر است، به قدر متعارف از آن بخورد. و هنگامی که اموالشان را به آنان بازمی‌گردانید بر آنان گواه بگیرید و خدا برای حسابرسی کافی است.

^{۱۳} و از نزدیک شدن به مال یتیم (جز به روشی هرچه نیکوتر که باعث حفظ اموال او شود) بپرهیزید تا به توانایی خود برسد (بالغ شود و به رشد لازم برسد) و پیمانانه و ترازو را عادلانه و تمام بسنجید و بدانید که ما هیچ‌کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌کنیم. و چون سخنی گویند که سود و زینانی در پی دارد، عدالت را در آن رعایت کنید، هرچند کسی که درباره او سخن می‌گویید خویشاوند باشد. و به پیمان خود وفادار باشید. اینهاست که خدا شما را به آن سفارش کرده است؛ باشد که دریابید و متذکر شوید.

^{۱۴} و چون یوسف (ع) به حد رشد و توانایی رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را این‌گونه سزا می‌دهیم.

^{۱۵} و به مال یتیم جز به بهترین وجهی که برای او سودآورتر است، نزدیک نشوید تا به رشد و توانایی خود برسد. و به پیمان‌ها وفا کنید که قطعاً پیمان‌ها مورد سؤال قرار خواهند گرفت.

^{۱۶} عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آتَائِهِ ع فِي وَصِيَّةِ النَّبِيِّ (ص) لِعَلِيِّ (ع) قَالَ: «بَا عَلِيُّ لَا يَتِمُّ بَعْدَ اِخْتِلَامٍ». وَ فِي خَيْرِ آخَرَ «عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا اِخْتَلَمَ الصَّبِيَامُ وَ عَلَى الْمَرْأَةِ إِذَا حَاضَتْ الصَّبِيَامُ». عَنْ ابْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: أَتَى عُمَرَ بِامْرَأَةٍ مَجْنُونَةٍ قَدْ رَتَّتْ فَاَمْرًا بِرَجْمِهَا، فَقَالَ عَلِيُّ (ع) «أَمَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْقَلَمَ يُرْفَعُ عَنْ نَلَائِهِ، عَنْ الصَّبِيِّ حَتَّى يَخْتَلِمَ، وَ عَنْ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ، وَ عَنْ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَيْقِظَ.»

و نیز عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: «انْقِطَاعُ يَتِيمِ الْيَتِيمِ بِالِاخْتِلَامِ وَ هُوَ أَشَدُّ، وَ إِنْ اِخْتَلَمَ وَ لَمْ يُؤْتَسْ مِنْهُ رُشْدُهُ وَ كَانَ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا، فَلْيُسَبِّكْ عَنْهُ وَ لِيْئَهُ مَالَهُ.»

همزمان با بیان سن، به تبیین نشانه‌های جنسی و جسمی بلوغ نیز پرداخته‌اند^{۱۷} (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۹) که در آنها سن موضوعیت ندارد، بلکه بیانگر نشانه‌های بلوغ جنسی است و می‌تواند سنی خاص را برای بلوغ از باب غلبه مشخص کند. در نهایت برخی روایات نیز سن مشخصی را مبنای بلوغ و پایان کودکی در نظر گرفته‌اند^{۱۸} (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، صص ۱۹۸-۱۹۷). این روایات و به‌ویژه روایت حمزه بن حرمان از امام باقر (ع)، عمده‌ترین دلیل فقهای امامیه در خصوص تعیین زمان بلوغ و به دنبال آن سن مسئولیت کودک است. با توجه به آنچه ذکر شد، روایات نیز معیار واحدی را برای تعیین سن بلوغ بیان نکرده‌اند، لیکن در برخی کتب روایی شیعی بابی وجود دارد تحت عنوان «کراهت تزویج صغار» که ذیل آن هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل می‌کند که ایشان در پاسخ به فردی که گفت ما فرزندانمان را در کودکی به ازدواج یکدیگر درمی‌آوریم، فرمودند: «در این صورت بعید است که با هم الفت داشته و مهربان باشند»^{۱۹} (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۰۴) این روایت ظاهراً از حیث سند صحیح است.

فقها با استنباط از منابع فوق به اجتهاد پرداخته‌اند، لیکن به دلیل اختلاف روایات، آنها نیز در خصوص تعیین سن بلوغ با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از نظر فقهای امامیه سن بلوغ در دختران ۹ سال و در پسران پانزده سال تمام قمری است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۲؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۴؛ محقق حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۴۰؛ همو، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۵؛ عاملی کرکی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۱۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴۴؛ نجفی، بی تا، ج ۲۶، صص ۱۶ و ۳۸؛ موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۱۳). در این زمینه ادعای اجماع (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۳؛ اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۸۷؛ حلی، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۱) و شهرت (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، صص ۴۳۲-۴۳۱؛ جمال‌الدین حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، صص ۵۱۳-۵۱۲؛ عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۱۴۴) شده است. این در حالی است که برخی فقها سنین دیگری را برای بلوغ دختر و پسر در نظر گرفته و یا میان سن بلوغ در عبادات با سن بلوغ در معاملات و حدود مسئولیت کیفری تفاوت قائل شده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۳، ص ۱۸۵؛ اسکافی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۹۵). البته فقهای امامیه در کنار استفاده از معیار کمی (سن)، از برخی نشانه‌های کیفی مانند احتلام و حیض نیز به‌عنوان معیارهای تحقق بلوغ و رشد جسمی بهره برده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۲، ص ۲۸۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، صص ۸۴-۸۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۰، صص ۳۴۸-۳۴۵؛ عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۴۴).

با توجه به نکات فوق، فقها سن مشخصی برای نکاح در نظر نگرفته‌اند، لیکن مشهور فقهای امامیه رسیدن به سن بلوغ را معیار اهلیت نکاح می‌دانند^{۲۰} که از جهاتی قابل خدشه است، چراکه وقتی در فقه رسیدن به سن رشد برای تصرفات مالی کودک لازم دانسته شده، به طریق اولی می‌توان وجود شرط رشد در ازدواج را ضروری دانست، به دلیل اینکه خسارات ناشی از تصرفات زیان‌آور غیررشد در اموالش به مراتب کمتر از خسارات جسمی، روحی و حتی مالی حاصل از یک ازدواج اشتباه

^{۱۷} عن أبي عبد الله (ع) قال: سألتُه عن الغلام متى تجب عليه الصلاة، فقال: «إذا أتى عليه ثلاث عشرة سنة. فإن احتلم قبل ذلك فقد وجبت عليه الصلاة، و جرى عليه الفلم، و الجارية مثل ذلك إن أتى لها ثلاث عشرة سنة، أو حاضت قبل ذلك، فقد وجبت عليها الصلاة و جرى عليها الفلم.» عن أبي عبد الله (ع) قال: «إذا بلغ الغلام ثلاث عشرة سنة كتبت له الحسنه و كتبت عليه السيئة و عوقب و إذا بلغت الجارية تسع سنين فكذلك و ذلك أنها تحيض لتسع سنين.»
^{۱۸} عن حمزة بن حرمان عن حرمان قال سألت أبا جعفر (ع) قلت له متى يجب على الغلام أن يؤخذ بالحدود التامة و تقام عليه و يؤخذ بها فقال: «إذا خرج عنه اليشم و أذرك قلت فذلك حد يعرف به فقال إذا احتلم أو بلغ خمس عشرة سنة أو أشعر أو أثبت قبل ذلك أقيمت عليه الحدود التامة و أخذ بها و أخذت له.» قلت فالجارية متى تجب عليها الحدود التامة و تؤخذ لها و يؤخذ بها قال: «إن الجارية ليست مثل الغلام إن الجارية إذا تزوجت و دخل بها و لها تسع سنين ذهب عنها اليشم و دفع إليها مالها و جاز أمرها في الشراء و البيع و أقيمت عليها الحدود التامة و أخذ لها بها قال و الغلام لا يجوز أمره في الشراء و البيع و لا يخرج من اليشم حتى يبلغ خمس عشرة سنة أو يتخلىم أو يشعر أو يثبت قبل ذلك.»

^{۱۹} عن هشام بن الحكم عن أبي عبد الله أو أبي الحسن (ع) قال: قيل له إنا نزوج صبياننا و هم صغار. فقال: «إذا زوجوا و هم صغار لم يكادوا أن يتألفوا.»

^{۲۰} البته فقهای امامیه با شرایطی نکاح زیر سن بلوغ را هم جایز دانسته‌اند.

خواهد بود^{۲۱} (عاملی، ۱۴۱۳ق، ج ۷، ص ۱۲۹). به عبارت دیگر، فقها سن رشد را در موارد مختلف از قبیل عبادات، معاملات و نکاح متفاوت دانسته‌اند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۵) که ماهیتی بسیط دارد و به اعتبار متعلقاتش، متفاوت می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸). بنابراین بدیهی است که قدرت درک و فکری که برای ازدواج (با مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف ناشی از آن) لازم است، هرگز برای خرید و فروش مورد نیاز نیست و شاید به همین دلیل است که برخی از فقهای معاصر نیز قائل به بطلان ازدواج زیر سن سیزده سال شده‌اند.^{۲۲} از سوی دیگر، سن بلوغ باید با توجه به غلبه، وضعیت جسمانی و شرایط اقلیمی تعیین شود و نباید آن را برای تمامی انسان‌ها در تمامی ادوار تاریخی به صورت یک قاعده ثابت در نظر گرفت (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۰). افزون بر این، با تمسک به مبانی فقهی از جمله قاعده لاضرر و قاعده سلطنت نیز می‌توان منع ازدواج افراد زیر هجده سال را اثبات کرد.

۴-۲. قاعده لاضرر

در خصوص مفاد قاعده لاضرر نظریات مختلفی در میان فقها وجود دارد که فرصت بیان آنها نیست، لیکن با جمع‌بندی تمام آنها می‌توان گفت که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد و این مشروعیت نداشتن، هم شامل مرحله تقنین و تشریح می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون. به عبارت دیگر، لاضرر از یک سو به این معناست که خداوند در مقام تشریح اولیه احکام اسلامی هیچ حکم ضرری وضع نکرده و از سوی دیگر مفید این مطلب است که اگر حکمی از نظر کلی و نوعی ضرری نبوده لیکن در مقام اجرا برای فردی از افراد مسلمان ضرری باشد، به طور موردی مرتفع می‌گردد (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۱). بنابراین بر اساس مفاد این قاعده، با توجه به اینکه ازدواج کودک و نوجوان در شرایط اجتماعی فعلی موجب ضرر و زیان جسمی، جنسی، روحی و عاطفی^{۲۳} برای وی خواهد شد، می‌توان از آن جلوگیری کرد.

اشکالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که قاعده لاضرر ضرر شخصی را دربرمی‌گیرد نه ضرر نوعی را؛ یعنی با استفاده از آن نمی‌توان در مرحله تقنین، سن ازدواج را برای همگان تغییر داد، بلکه باید در خصوص هر فرد به مقتضای شرایطش از لاضرر استفاده شود و اگر حکم قانون برای وی ضرری است، نسبت به خود او رفع شود. در پاسخ باید گفت که در خصوص قلمرو قاعده لاضرر اختلاف نظر وجود دارد و برخی از فقها معتقدند که ملاک، مطلق ضرر است (محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۵۰) و برخی دیگر معتقدند در معاملات (عقود) ملاک، ضرر نوعی است نه شخصی (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۳۸، ص ۳۲۱؛ همو، ۱۴۱۷ق، ج ۶، صص ۳۲۶-۳۲۵؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۰۸ق، ص ۶۱). لذا به استناد قاعده لاضرر می‌توان به اصلاح قانون مبادرت نموده، از ازدواج افراد زیر هجده سال جلوگیری کرد.

^{۲۱}. و ضرر النکاح لا یتلافی من جهة المرأة، و مبنی رأیهنّ علی الوهن و الفساد، و ترتیبه غالباً علی غیر السداد. فلا یقاس النکاح علی المال الذی یسهل ضرره، و یمکن تلافیه، و یتحمّل غبنه، خصوصاً عند النفوس الکامله، عکس النکاح.

^{۲۲}. پرسش: آیا ازدواج در سن زیر سیزده سال حرام است؟

پاسخ: در گذشته این اجازه به اولیا داده می‌شد که حتی برای صغیر همسری انتخاب کنند و معمولاً مشکلی ایجاد نمی‌شد، ولی در عصر و زمان ما عملاً ثابت شده است که این ازدواج‌ها به مصلحت دخترها و پسرها نیست و دارای مفاسدی است و با توجه به اینکه غبطه و مصلحت باید رعایت شود، این گونه ازدواج‌ها باطل است و اعتباری ندارد. نسبت به آنچه در گذشته انجام شده اگر در آن زمان واقعاً مفسده‌ای نداشته و غبطه صغیر رعایت شده، محکوم به صحت است. رک پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر آیت‌الله مکارم شیرازی به نشانی اینترنتی زیر:

www.makarem.ir/main.aspx?lid=0&typeinfo=21&mid=258389

^{۲۳}. برای مثال، دختران به‌طور متعارف در سنین دوازده تا سیزده سالگی به بلوغ جنسی (حیض) می‌رسند و تحقیقات پزشکی نشان می‌دهد که تا چند سال نخست پس از سن بلوغ، آنها اساساً یا قدرت باروری ندارند یا بارداری‌های پرخطر خواهند داشت که این امر قطعاً صدمات جبران‌ناپذیری به جسم و روح کودک وارد می‌سازد (مقدادی و جوادپور، ۱۳۹۶، صص ۴۶-۴۵).

اشکال دومی که ممکن است مطرح شود در خصوص ضررهای بالا رفتن سن ازدواج است. مهار غرایز جنسی نوجوانان در فاصله سن بلوغ تا سن ازدواج مورد نظر (هجده سال) موجب افزایش آمار عدم ثبت ازدواج (ازدواج‌های غیررسمی) به خصوص در روستاها و نیز گسترش جرایم جنسی، خصوصاً در زندگی‌های شهری و صنعتی خواهد شد (صفایی و امامی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۲؛ کاتوزیان، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۷۲). به عبارت دیگر، مقتضای قاعده لاضرر این است که قانونگذاری در خصوص سن ازدواج به گونه‌ای باشد که شاهد چنین آسیب‌هایی نباشیم. در پاسخ به این اشکال نیز باید گفت که پیشگیری از عدم ثبت ازدواج و ارتکاب جرایم جنسی توسط کودکان و نوجوانان راه‌حل‌های مؤثرتری از قبیل در نظر گرفتن تبصره قانونی برای موارد استثنایی، برنامه‌ریزی برای رفع نیازهای فرهنگی، ورزشی و تفریحی، نظارت بر استفاده از فضای مجازی و... دارد. لذا با توجه به اینکه ضررهای ازدواج در سنین پایین به مراتب بیشتر از منافع آن است، استفاده از قاعده لاضرر در جلوگیری از چنین ازدواج‌هایی معقول‌تر به نظر می‌رسد.

۴-۳. قاعده سلطنت

متن روایت^{۲۴} صرفاً تسلط بر اموال را دربرمی‌گیرد و شامل سلطنت بر انفس نمی‌شود، لیکن اولاً در بعضی از متون فقهی واژه «و أنفسهم» پس از «اموالهم» آمده؛^{۲۵} ثانیاً برخی فقهای معاصر با استفاده از قاعده اولویت، تسلط بر انفس را نیز استنباط می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، صص ۳۶-۳۷؛ محقق داماد، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۳۳).

طبق قاعده فقهی سلطنت، هیچ شخصی نباید بر نفس دیگری تسلط داشته باشد تا جایی که برخی از فقها معتقدند انجام عبادات کودک را نمی‌توان مشروط به اذن والدین یا پدر وی کرد، چراکه این امر با مقتضای قاعده سلطنت مخالف است^{۲۶} (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۱۷). لذا تشریح مسئله ولایت بر کودک صرفاً به منظور حمایت و حفاظت از اوست و به شرط رعایت، مصالح عالی او محقق می‌شود؛ در غیر این صورت ولی فاقد صلاحیت خواهد بود.^{۲۷} بنابراین با توجه به اینکه در جامعه کنونی ما این گونه ازدواج‌ها غالباً خالی از مصلحت واقعی فرد است، طبق قاعده فقهی مزبور می‌توان از ازدواج کودکان و نوجوانان جلوگیری کرد، چراکه بر اساس قاعده سلطنت، زمام امور هر فرد - از جمله اختیار ازدواجش - به دست خود اوست، حال آنکه افراد کمتر از هجده سال به دلیل نرسیدن به سن رشد و برخورداری نبودن از قدرت فکری و عقلی، علی‌القاعده نمی‌توانند مستقلاً در مورد ازدواج خود تصمیم‌گیری کنند و غالباً تن به ازدواجی خواهند داد که دیگران توصیه یا حتی اجبار کرده‌اند.

اشکالی که ممکن است در اینجا مطرح شود این است که وضع هرگونه محدودیتی برای فرد که سبب سلب اختیار ازدواج از وی شود، طبق قاعده فوق‌مردود است و لذا تحدید سن ازدواج به بالای هجده سال، خود نوعی مخالفت با عمومات قاعده سلطنت خواهد بود (دانش‌پور و بابایی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸). در پاسخ باید گفت که اولاً با توجه به اینکه ازدواج زودهنگام ضرری است و قاعده لاضرر بر سلطنت حکومت دارد، چنین تمسکی به قاعده سلطنت امکان‌پذیر نیست؛ ثانیاً چنانکه گفته

۲۴. قال رسول الله (ص): إن الناس مسلطون علی أموالهم (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۷۲).

۲۵. ظاهراً علت آن، اشتباه برخی کاتبان متون مزبور به دلیل وجود چنین عطفی در برخی از آیات قرآن مجید و انس ذهنی آنها به آن آیات بوده است.

۲۶. اعتبار اذن الأبویین أو خصوص الأب خلاف قاعده السلطنه علی النفس، المستفاده من دلیل قاعده السلطنه علی المال بالفحوی.

۲۷. ماده ۱۱۸۴: هرگاه ولی قهری طفل رعایت غبطه صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر مولی‌علیه گردد به تقاضای یکی از اقارب وی و یا به درخواست رئیس حوزه قضایی پس از اثبات، دادگاه ولی مذکور را عزل و از تصرف در اموال صغیر منع و برای اداره امور مالی طفل فرد صالحی را به‌عنوان قیم تعیین می‌نماید.

شد، تشریح مسئله ولایت به منظور حمایت از کودک است و در جایی که کودک به ضرر خود به انجام امری مبادرت ورزد، ولی او می‌تواند از آن جلوگیری کند.

۴-۴. فقه عامه

در مذاهب اربعه اصولاً فتوای فقهی قائل به تأثیر جنسیت در تعیین سن بلوغ وجود ندارد. در مذهب مالکی به نشانه‌های جسمی توجه نشده و تنها سن به‌عنوان معیار بلوغ ذکر شده، به‌طوری که سن بلوغ بنا بر قول مشهور فقهای مالکی، اتمام هجده سالگی و بنا بر نظر مقابل آن، اتمام هفده سال و ورود به هجده سالگی است (خرشی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۹۱؛ ثعلبی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۶۸ و علیش، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۸۷). این درحالی است که نقل شده که مالکی‌ها اصولاً سن را نشانه بلوغ نمی‌دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۸۳؛ ابن قدامه، ۱۴۰۳ق، ص ۵۱۴). مشهور فقهای حنفی نیز سن بلوغ را در دختران هفده و در پسران هجده سال می‌دانند (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۹۶۶؛ مرغینانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۸۱)، ولی برخی حنفیان مشابه دیگر فقهای عامه، در دختر و پسر اتمام پانزده سال را به‌منزله بلوغ در نظر می‌گیرند (بابرتی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۷۰؛ سغدی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۱۳). فقهای شافعی (شافعی، ۱۳۹۳ق، ج ۳، ص ۲۲۰؛ ماوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۴۲؛ عمرانی، ۱۴۲۱ق، ج ۶، ص ۲۱۹) و حنبلی نیز کمال بلوغ را برای دختر و پسر اتمام پانزده سالگی می‌دانند (مرداوی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۳۲۰؛ ابن قدامه، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲؛ بهوتی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۴۳).

در غالب منابع اهل سنت، فقها برای دوره بلوغ فاصله سنی خاصی مطرح کرده‌اند، بدین ترتیب که سنین یاد شده را انتهای دوره بلوغ و دوازده سالگی را در پسران و نه سالگی را در دختران ابتدای آن دانسته و کودک را در این فاصله سنی «مُراهق» نامیده‌اند (زحیلی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۴۷۳).

مطابق آنچه گفته شد، اختلاف نظر قابل توجهی بین فقهای امامیه و عامه در تعیین سن بلوغ، به‌ویژه در خصوص دختران وجود دارد. اتفاق نظر نداشتن فقهای پیشین و عملکرد متفاوت کشورهای مسلمان در این زمینه^{۲۸}، لزوم بازنگری در تعیین سن بلوغ و به تبع آن حقوق مترتب بر سن کودک را پیش از پیش روشن می‌سازد. در این خصوص چنانچه بلوغ را فرایندی بدانیم که شروع و پایانی دارد، می‌توان نظریه تفکیک بین سن مسئولیت عبادی کودک با سن بهره‌مندی از حقوق قانونی را مطرح کرد، چراکه در انجام تکالیف عبادی، تحقق کمترین میزان توانمندی عقلی - که در حال حاضر با بلوغ جنسی حاصل می‌شود - کافی است، اما در حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و... به‌ویژه ازدواج و تشکیل خانواده، با توجه به اهمیت آثار و نتایج آن، بیشترین میزان توانمندی مورد نیاز است که این امر مستلزم در نظر گرفتن بلوغ جنسی و رشد فکری در کودک به‌طور همزمان خواهد بود. به هر روی، کارکردهای ازدواج و تشکیل خانواده در ازدواج زود هنگام به‌طور کامل تحقق نمی‌یابد. از جمله کارکردهای خانواده که خداوند در قرآن کریم بدان اشاره فرموده، ایجاد آرامش و سکون برای زوجین است^{۲۹} که این امر در ازدواج‌های سنین پایین غالباً تأمین نمی‌شود، چنانکه پیشتر در صحیحه هشام بن حکم ذکر شد.

۲۸. ماده ۱۶ قانون احوال شخصیه سوریه: اهلیت ازدواج برای پسر در ۱۸ سالگی و برای دختر در ۱۷ سالگی محقق می‌شود.

ماده ۵ اصلاحی قانون احوال شخصیه اردن: برای اینکه طرفین صلاحیت ازدواج داشته باشند، لازم است آنها عاقل بوده و هر دو به سن ۱۸ سالگی رسیده باشند.

۲۹. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. (روم، ۲۱)

۴. ظرفیت‌های قوانین و مقررات داخلی و منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال

طبق اصل دهم^{۳۰} و چهل و سوم^{۳۱} قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ازدواج و تشکیل خانواده از حقوق مدنی همه افراد جامعه است، لیکن نمی‌توان بهره‌مندی از این حق را بدون وجود شروط مناسب اجرایی کرد.

نظام حقوقی کشور از حیث سن مناسب برای ازدواج تحولات فراوانی را پشت سر گذاشته است. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳، نکاح اناث قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام و ذکور قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام را ممنوع اعلام کرد و به‌طور استثنایی، در مواردی که مصالحی اقتضا می‌کرد، با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه، معافیت از شرط سن اعطا می‌شد، ولی در هر حال این معافیت به دختران کمتر از سیزده و پسران کمتر از پانزده سال تمام تعلق نمی‌گرفت.

در نهایت ماده ۲۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۵۳، ازدواج زن قبل از رسیدن به سن هجده سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن بیست سال تمام را ممنوع کرد و تنها در مواردی که مصالحی اقتضا می‌کرد (درخصوص یک مورد)، استثنا قائل شد. بر این اساس در مورد زنی که سن او از پانزده سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد، به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن بود معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده ازدواج می‌کرد، حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۶^{۳۲} محکوم می‌شد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در سال ۱۳۶۱ ماده مزبور اصلاح شد به نحوی که نکاح قبل از بلوغ ممنوع بود و تنها با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی‌علیه، امکان نکاح قبل از بلوغ وجود داشت. در اصلاحیه سال ۱۳۷۰ نیز حکم مندرج در قانون سال ۱۳۶۱ با ادبیاتی متفاوت تکرار شد و در نهایت ماده ۱۰۴۱ در سال ۱۳۸۱ به ترتیب زیر اصلاح شد که همچنان معتبر است:

«عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن سیزده سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن پانزده سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.»

قانون حمایت از خانواده نیز در سال ۱۳۹۱ به جرم‌انگاری تخلف از ماده ۱۰۴۱ ق.م. پرداخت که بر اساس آن، هرگاه مردی برخلاف مقررات این ماده ازدواج کند با جاری شدن صیغه عقد، به حبس تعزیری درجه شش، در صورت تحقق ازدواج منتهی به وقوعه و ورود نقص عضو یا مرض دائم به زن، به پرداخت دیه به همراه حبس تعزیری درجه پنج و در صورت تحقق

^{۳۰} اصل دهم: از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.

^{۳۱} اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه...

^{۳۲} ماده ۳: هرکس برخلاف مقررات ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه الی دو سال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد. در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لاقبل به دو الی سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود و در هر دو مورد ممکن است علاوه بر مجازات حبس به جزای نقدی از دوهزار ریال الی ۲۰ هزار ریال محکوم گردد و اگر در اثر ازدواج برخلاف مقررات فوق موقعه منتهی به نقص یکی از اعضاء یا مرض دائم زن گردد مجازات زوج از پنج الی ده سال حبس با اعمال شاقه است و اگر منتهی به فوت زن شود مجازات زوج حبس دائم با اعمال شاقه است. عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند. محاکمه این اشخاص را وزارت عدلیه می‌تواند به محاکم مخصوصی که اصول تشکیلات و ترتیب رسیدگی آن به موجب نظامنامه معین می‌شود رجوع نماید و در صورت عدم تشکیل محکمه مخصوص، رسیدگی در محاکم عمومی به عمل خواهد آمد.

ازدواج منتهی به واقعه و فوت زن، علاوه بر پرداخت دیه به حبس تعزیری درجه چهار محکوم می‌شود. ولی قهری، مادر، سرپرست قانونی یا مسئول نگهداری و مراقبت و تربیت زوجه نیز که در ارتکاب جرم تأثیر مستقیم داشته باشند و نیز عاقد، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می‌شوند.

علی‌رغم وجود ضمانت اجراهای مزبور، سن مقرر در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی مورد مناقشه است. به‌واقع اصل نکاح به دلیل حق ذاتی افراد بر تشکیل خانواده مورد تأیید است، لیکن زمان تحقق آن به دلیل شرایط فیزیکی و روانی افراد، همواره محل تأمل بود، چراکه بلوغ شرط «لازم» برای برخورداری از حقوق اجتماعی و تکالیف قانونی است نه شرط «کافی»؛ یعنی نمی‌توان صرف بلوغ جنسی را دلیل رشد عقلی افراد دانست و برای طرف حق و تکلیف واقع شدن، داشتن رشد عقلی نیز شرط است، درحالی‌که بر اساس قوانین موجود، دختری سیزده ساله که حیض ببیند، واجد بلوغ شرعی است و می‌تواند ازدواج کند، ولی همان دختر اهلیت مطالبه نفقه یا مهریه خود را به‌واسطه‌ی فقدان رشد ندارد. با این حال، به منظور منع ازدواج در سنین پایین ظرفیت‌های خوبی در قوانین و مقررات داخلی کشور وجود دارد که در زیر به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) برخی از قوانین و مقررات داخلی کشورمان به ازدواج در سن مناسب تصریح کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان به «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» که در جلسه ۵۶۴ مورخ ۱۳۸۴/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی بنا به پیشنهاد شورای فرهنگی و اجتماعی زنان تصویب شد^{۳۳} و بند ۲۲ منشور «حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران» مصوب جلسه ۵۴۶ مورخ ۱۳۸۳/۶/۳۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی^{۳۴} و بند ۴ «سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه خانواده»^{۳۵} اشاره کرد که بر لزوم ازدواج تأکید کرده و بدون تصریح بر سن مشخص، به عبارت «ازدواج در سنین مناسب» تصریح نموده‌اند.

ب) مقرر دیگری که با تمسک به آن می‌توان به منع ازدواج زود هنگام (دختر) حکم کرد، بند پنجم از ماده ۴ «سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان» مصوب جلسه ۶۱۳ مورخ ۱۳۸۶/۸/۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی است که به توسعه آگاهی زنان و خانواده‌ها از نقش و مسئولیت‌های متعدد زنان در خانواده و اجتماع و همچنین به ضرورت سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی اعم از کودکی، بلوغ، ازدواج، باروری، شیردهی، یائسگی و سالمندی اختصاص یافته است.

ج) مقنن برای نخستین بار در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱، دیدگاهی نوین درخصوص سن کودکی ارائه داد. قانونگذار در این قانون صراحتاً به تعریف کودک نپرداخته، ولی چتر حمایتی خویش را بر روی تمام افراد کمتر از هجده سال تمام گشوده است. مقنن در ماده ۱ این قانون^{۳۶} بدون تصریح بر اطلاق عنوان «کودک» به افراد زیر هجده سال، افراد تحت حمایت خود را گاهی با واژه «کودک» و گاهی با واژه «نوجوان» بیان کرد. این امر سبب شد که عناوین کودک و نوجوان به‌طور ضمنی، بر افراد موضوع ماده ۱ بار شود و بدون تفکیک میان مرحله کودکی و نوجوانی، هجده سال تمام هجری شمسی پایان کودکی دانسته شود (اسدی، ۱۳۸۶، ص ۱۵).

^{۳۳}. هدف دوم: حمایت از تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده و پیشگیری از تزلزل و فروپاشی آن

^{۳۴}. فصل دوم: حقوق و مسئولیت‌های زنان در تشکیل و تداوم خانواده

بند ۲۲: حق بهره‌مندی از امکانات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جهت تسهیل امر ازدواج در زمان مناسب و مسئولیت خویشنداری تا آستانه ازدواج

^{۳۵}. ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج موفق و آسان برای همه دختران و پسران و افراد در سنین مناسب ازدواج و تشکیل خانواده و نفی تجرد در جامعه با وضع سیاست‌های اجرایی و قوانین و مقررات تشویقی و حمایتی و فرهنگ‌سازی و ارزش‌گذاری به تشکیل خانواده متعالی بر اساس سنت الهی

^{۳۶}. ماده ۱: کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون، بهره‌مند می‌شوند.

با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، این قانون منسوخ شد، لیکن قانون جدید نیز تمامی افراد زیر هجده سال را تحت حمایت خود قرار داده است.^{۳۷} به علاوه، یکی از مهم ترین قوانینی که به استناد آن می توان مانع ازدواج زودهنگام کودکان و نوجوانان شد، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ است. در ماده ۳ قانون مزبور مواردی احصا شده که در صورت ورود آسیب به سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی و اخلاقی کودک، سبب حمایت قانونی از وی می شود که ازدواج ایشان خود عامل وقوع برخی از آنها مثل بازماندن از تحصیل، سوء رفتار نسبت به کودک یا نوجوان، بهره کشی از او و... است.

درواقع یکی از شایع ترین علل کودک آزاری غفلت والدین یا سرپرستان قانونی از نیازهای کودک و به طور کلی سرپرستی غیرمسئولانه و سوء مراقبت جسمی و روانی کودک توسط آنهاست. کودک آزاری اقسام متعددی دارد از قبیل کودک آزاری جسمی، کودک آزاری روانی یا عاطفی و کودک آزاری جنسی (صالحی و اسماعیل پور، ۱۳۹۳، صص ۱۲۳-۱۲۲). ازدواج زودهنگام در موارد بسیاری موجب وقوع هر سه قسم کودک آزاری می شود، چراکه کودک یا نوجوان (دختر) اغلب بدون هیچ اطلاع و آموزشی، به مردی بزرگ تر از خود سپرده می شود که هرگونه رفتاری از لحاظ جنسی یا جسمی با وی داشته باشد؛ در این حال او قادر به دفاع از خویش نیست و همین امر به مرور سبب ایجاد مشکلات عاطفی و روانی برای وی خواهد شد (افتخارزاده، ۱۳۹۴، صص ۱۴۳-۱۳۳). لذا چون آسیب های ازدواج زودهنگام مسجل است و این قانون نیز کلیه اشخاص زیر هجده سال را تحت حمایت خود قرار داده، می توان با تأسی به آن، از ازدواج افراد کمتر از هجده سال جلوگیری کرد.

۵. ظرفیت های اسناد بین المللی و منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال

وقتی از اسناد بین المللی به عنوان جزئی از نظام حقوقی ایران صحبت می کنیم، اسنادی را مدنظر داریم که کشورمان به آنها پیوسته و آنها را تصویب کرده و طبق ماده ۹ قانون مدنی،^{۳۸} در حکم قانون داخلی هستند. پایان کودکی در اسناد بین المللی نسبت به فقه و قوانین داخلی تفاوت دارد، چراکه مبنای پایان یافتن دوران کودکی در فقه و قوانین داخلی (متأثر از فقه) «بلوغ» است، در حالی که در اسناد بین المللی «رشد» معیار تعیین سن کودک است (عباسی سرمدی و زنگی اهرمی، ۱۳۹۴، ص ۳۸).

۱-۶. کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹^{۳۹}

وفق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک، منظور از کودک افراد انسانی زیر سن هجده سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کمتری تشخیص داده شود.^{۴۰} بر اساس قسمت اخیر ماده فوق، شرط سنی تعیین شده منوط به این است که در قانون داخلی کشورها سن کمتری تعیین نشده باشد که در فرض اخیر، همان قانون داخلی ملاک خواهد بود

^{۳۷} ماده ۱: اصطلاحات به کار رفته در این قانون، به شرح زیر تعریف می شود:

الف) طفل: هر فرد که به سن بلوغ شرعی نرسیده است.

ب) نوجوان: هر فرد زیر هجده سال کامل شمسی که به سن بلوغ شرعی رسیده است.

^{۳۸} ماده ۹: مقررات عهدی که برطبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد در حکم قانون است.

^{۳۹} Convention on the Rights of the Child

^{۴۰} ماده ۱: از نظر کنوانسیون حاضر منظور از کودک افراد انسانی زیر هجده سال است مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود.

در حقوق داخلی ایران و مستنبط از قوانین و مقررات موجود، طفولیت نقطه مقابل بلوغ است و طفل در مقابل بالغ قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در حقوق ایران افراد انسانی به لحاظ سنی به دو دسته کلی طفل و بالغ تقسیم شده‌اند و حسب مورد صغیر یا کبیر هستند.

مقصود از سن بلوغ بر اساس تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، به ترتیب نُه و پانزده سال تمام قمری در دختران و پسران است که در محاسبه آن به سال شمسی، سن بلوغ پسر چهارده سال و هفت ماه و در دختر هشت سال و نه ماه می‌باشد. این در حالی است که در سایر امور از جمله اعزام افراد ذکور به خدمت سربازی، شرکت در انتخابات، اخذ گواهینامه رانندگی، انجام معاملات و... اصولاً رسیدن به رشد عقلی که آستانه آن هجده سالگی است، به‌عنوان شرط برخورداری از حقوق کامل اجتماعی مقرر شده است. لذا تفاوت سن کودک در قانون مدنی و سایر قوانین کشور با کنوانسیون حقوق کودک از حیث حقوقی بدون ایراد است و الحاق ایران به این سند بین‌المللی با حق شرط کلی، ایراد قانونی ندارد، چنانکه مرجع بین‌المللی نیز در زمان الحاق ایران به این سند، حق شرط مزبور را پذیرفته است؛ لکن حل تعارض حقوقی موجود به معنای صحه نهادن به سن کودکی در نظام حقوقی کشور نیست. از دیدگاه علمی، مدت عمر هیچ‌گاه ملاک معتبر برای تشخیص بلوغ نبوده و به‌واقع بلوغ پدیده‌ای نیست که با رسیدن به سن خاصی یک‌باره حادث شود، بلکه بلوغ فرایندی است که از یک دوره سنی با ظهور برخی از نشانه‌ها آغاز می‌شود و در پایان دوره - که زمان آن ممکن است برحسب اشخاص مختلف کوتاه یا طولانی باشد - پایان می‌پذیرد و از عواملی نظیر نژاد، آب و هوا، تغذیه، بهداشت و وضع اجتماعی فرد تأثیر می‌پذیرد.

افزون بر این، در کنوانسیون حقوق کودک ازدواج کودکان به صراحت ممنوع نشده، لیکن برخی از مصادیق حقوق کودک از جمله «لزوم رعایت منافع عالی و مسئولیت والدین و سرپرستان قانونی در تأمین رشد و تکامل کودک»^{۴۱}، «حق بر حیات، بقا و رشد»^{۴۲}، «حمایت از کودک در برابر انواع خشونت»^{۴۳}، «حق بهره‌مندی از عالی‌ترین سطح سلامت»^{۴۴}، «حق برخورداری از استانداردهای زندگی شایسته»^{۴۵}، «حق بر آموزش»^{۴۶}، «حق بهره‌مندی از تفریح و سرگرمی»^{۴۷}، «حق برخورداری از حمایت در برابر سوءاستفاده‌های جنسی»^{۴۸} و «حق وی به حمایت در برابر اشکال مختلف بهره‌کشی»^{۴۹} در کنوانسیون لحاظ شده که ازدواج زود هنگام استیفای آنها را غالباً به مخاطره می‌اندازد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^{۴۱}. ماده ۱۸: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون بیشترین تلاش خود را برای تضمین به رسمیت شناخته شدن این اصل که هر دو والد کودک مسئولیت‌های مشترکی در مورد رشد و پیشرفت کودک دارند به عمل خواهند آورد، والدین و یا قیم‌های قانونی مسئولیت عمده را در مورد رشد و پیشرفت کودک به عهده دارند. اساسی‌ترین مسئله آنان (حفظ) منافع عالی کودک است...

^{۴۲}. ماده ۶: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت خواهند شناخت.

۲- کشورهای طرف کنوانسیون (وجود) حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین خواهند نمود.

^{۴۳}. ماده ۱۹: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار من جمله سوءاستفاده‌های جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل خواهند آورد.

^{۴۴}. ماده ۲۴: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را جهت برخورداری از بالاترین استاندارد بهداشت و از تسهیلات لازم برای درمان بیماری و توانبخشی به رسمیت می‌شناسند. آنان برای تضمین اینکه هیچ کودکی از رسیدن به این حق و دسترسی به خدمات بهداشتی محروم نخواهند شد، تلاش خواهند نمود.

^{۴۵}. ماده ۲۷: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق تمام کودکان را نسبت به برخورداری از استاندارد مناسب زندگی برای توسعه جسمی، ذهنی و روحی و اخلاقی و اجتماعی را به رسمیت می‌شناسند.

^{۴۶}. ماده ۲۸: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را نسبت به آموزش و پرورش به رسمیت می‌شناسند...

^{۴۷}. ماده ۳۱: ۱- کشورهای طرف کنوانسیون حق کودک را برای تفریح و آرامش و بازی و فعالیت‌های خلاق مناسب سن خود و شرکت آزادانه در حیات فرهنگی و هنرها را به رسمیت می‌شناسند.

^{۴۸}. ماده ۳۴: کشورهای طرف کنوانسیون متقبل می‌شوند که از کودکان در برابر تمام اشکال سوءاستفاده‌ها و استثمارهای جنسی حمایت کنند...

^{۴۹}. ماده ۳۶: کشورهای طرف کنوانسیون از کودکان در برابر تمام اشکال استثمار که هریک از جنبه‌های رفاه کودک را به مخاطره اندازد، حمایت خواهند کرد.

بر همین اساس است که کمیته حقوق کودک ناظر بر اجرای کنوانسیون، در بندهای ۲۷، ۲۸، ۵۸، ۵۹، ۶۱ و ۶۹ آخرین سند «ملاحظات نهایی» خود، خطاب به دولت ایران مقرر کرده که تا سال ۲۰۲۱ میلادی و ارائه پنجمین گزارش ادواری ایران به این کمیته، سن قانونی ازدواج را به هجده سال ارتقا بخشد و در تعیین این معیار سنی میان دختران و پسران قائل به تفکیک نشود (کمیته حقوق کودک ملل متحد، ۱۳۹۵).

۲-۶. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۰۱۹۶۶

ماده ۲۳ قانون اجازه الحاق ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ضمن به رسمیت شناختن حق ازدواج آزادانه برای همگان و لزوم حمایت دولت از خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین رکن جامعه، قید «سن ازدواج» را مطرح می‌کند، بدون آنکه مشخص کند منظور چه سنی است.^{۵۱} از سوی دیگر، بند ۵ ماده ۶ این میثاق نیز سن مسئولیت کیفری اطفال را هجده سال قلمداد کرده و لذا به‌طور ضمنی افراد زیر هجده سال را کودک دانسته است.^{۵۲}

وفق ماده ۱۰ قانون اجازه الحاق ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز دولت‌های طرف این میثاق احکام مشابهی را پذیرفته‌اند.^{۵۳}

۳-۶. مقاله‌نامه بدترین اشکال کار کودکان ۱۹۹۹^{۵۴}

در ماده ۲ این مقاله‌نامه، در مورد تمامی افراد زیر هجده سال از واژه «کودک» استفاده شده است.^{۵۵}

۴-۶. پروتکل اختیاری کنوانسیون حقوق کودک درباره به‌کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه ۰۶۳۰۰۰

این پروتکل نیز در بسیاری از مواد خود بر ممنوعیت دخالت مستقیم افراد زیر هجده سال در درگیری‌های مسلحانه تأکید کرده است. البته علی‌رغم اینکه پروتکل مزبور توسط وزیر خارجه وقت کشورمان امضا شده بود، کلیات آن به دلیل برخی ایرادات، در مجلس شورای اسلامی به تصویب نرسید.

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

⁵⁰. International Covenant on Civil and Political Rights & International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

^{۵۱}. ماده ۲۳: ۱- خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد.
۲- حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود.
۳- هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود.
۴- دولت‌های طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.
^{۵۲}. ماده ۶: ... ۵- حکم اعدام در مورد جرائم ارتكابی اشخاص کمتر از هجده سال صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار قابل اجرا نیست.
^{۵۳}. ماده ۱۰: دولت‌های طرف این میثاق قبول دارند که خانواده که عنصر طبیعی و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد به‌ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاهداری و آموزش و پرورش کودکان خود را به عهده دارد ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود.

54. Convention (No. 182) concerning the prohibition and immediate action for the elimination of the worst forms of child labour

^{۵۵}. ماده ۲: از نظر این کنوانسیون، اصطلاح «کودک» در مورد کلیه اشخاص کمتر از ۱۸ سال به‌کار برده می‌شود.

56. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict

۶-۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸^{۵۷}

تصمیمات و قطعنامه‌های مجمع عمومی عمدتاً جنبه اعلامی یا توصیه‌ای دارند، اما برخی از این قطعنامه‌های اعلامی با گذشت زمان و تکرار تا حدود زیادی برای کشورهای عضو به‌طور ضمنی الزام‌آور می‌شوند که از جمله آنها اعلامیه جهانی حقوق بشر است. در بند ۱ ماده ۱۶ این اعلامیه از «سن مناسب ازدواج» سخن گفته شده بی‌آنکه سن مشخصی برای این امر اتخاذ شود.^{۵۸}

بر اساس مطالب فوق، به نظر می‌رسد از دیدگاه حقوق بین‌الملل، هجده سالگی یک استاندارد پذیرفته شده درخصوص سن مسئولیت کودکان در زمینه‌های مختلف است.

۶. ظرفیت‌های محاکم قضایی و منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال

طبق ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، ازدواج افراد زیر سن قانونی به اذن ولی، در صورت رعایت مصلحت و به حکم دادگاه صورت می‌گیرد؛^{۵۹} لیکن به دلیل روشن نبودن مفهوم مصلحت مذکور و معیارهای تشخیص آن، اولاً قانون مزبور نتوانسته منجر به کاهش قابل توجه ازدواج زیر سن قانونی شود و ثانیاً محاکم نیز در آرای صادره خود دچار نوعی آشفتگی و تشتت شده‌اند که این امر خود منجر به تضییع حقوق کودکان و نوجوانان شده است (آذری و میراحمدی، ۱۳۹۸، صص ۲۳-۲۲).

اینکه ملاک در ازدواج کودک مصلحت ایجابی (وجود منفعت) است یا مصلحت سلبی (نبود مفسده^{۶۰})، موضوعی است که فقها درباره آن اختلاف نظر دارند و این اختلاف نظر ناشی از اختلاف ایشان در مبانی است، چراکه قائلان به مصلحت سلبی، ولایت بر کودک را امتیازی برای ولی دانسته‌اند و او را اختیاردار تام فرزند می‌دانند^{۶۱} (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۵۵)، در حالی که طرفداران مصلحت ایجابی، ولایت را امتیازی برای کودک دانسته‌اند تا او مورد حمایت قرار بگیرد و ضعف و ناتوانی‌اش جبران شود^{۶۲} (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ ق، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

محاکم ما غالباً نبود مفسده را برای تجویز ازدواج کودکان کافی می‌دانند و در این زمینه به رضایت ولی و بلوغ جسمی کودک (به صرف اقرار وی و بدون ارجاع به مراکز مشاوره و پزشکی قانونی) بسنده می‌کنند و به رضایت و آگاهی طفل و بلوغ فکری وی توجه قرار نمی‌کنند. از سوی دیگر، قضات این گونه پرونده‌ها نوعاً ماهیت دلایل مطرح شده توسط ولی - از قبیل حفظ آبرو، موقعیت مناسب زوج، عدم اعتماد به جامعه و ... - را مورد بررسی و مذاقه قرار نداده‌اند و نقشی منفعلانه ایفا می‌کنند (آذری و میراحمدی، ۱۳۹۸، ص ۲۸)؛ در حالی که محاکم با ایفای نقش فعال می‌توانند - علی‌رغم تغییر نکردن قانون - از ازدواج افراد زیر سیزده و پانزده سال جلوگیری کنند^{۶۳}، چراکه با کمی بررسی مشخص می‌شود که در اکثریت قریب به اتفاق این ازدواج‌ها یک نقطه مشترک وجود دارد و آن رعایت نشدن مصلحت واقعی طفل است.

⁵⁷. Universal Declaration of Human Rights

⁵⁸. زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند، می‌توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده بنیاد گذارند. آنان به هنگام زناشویی و در اثنا و هنگام انحلال ازدواج، دارای حقوق متساوی می‌باشند.

⁵⁹. عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح.

⁶⁰. قول مشهور فقهای امامیه

⁶¹. يشترط فی صحه تزويج الأب و الجد و نفوذ عدم المفسده و إلا يكون العقد فضولياً كالأجنبي يتوقف صحتة على إجازة الصغير بعد البلوغ بل الأحوط مراعاة المصلحة.

⁶². لو زوجها الولی بدون مهر المثل، أو زوج الصغير بأزيد منه، فان كان هناك مصلحة تقتضي ذلك صح العقد و المهر و لزم، و إلا ففي صحه العقد و بطلان المهر و الرجوع الی مهر المثل، أو بطلان العقد أيضاً قولان.

⁶³. بدیهی است که جلوگیری از ازدواج افراد سیزده تا هجده سال نیازمند بازنگری در قوانین است.

نتیجه

از دیدگاه این پژوهش، کودکان و نوجوانان به منظور بهره‌مندی از حقوق مدنی و اجتماعی خویش، علاوه بر بلوغ، نیازمند رشد - یعنی قدرت تعقل و تدبیر امور خود - نیز هستند؛ لذا با توجه به اینکه نوعاً این توانایی در هجده سالگی بروز می‌کند، ازدواج زیر سن هجده سال در روزگار کنونی، عموماً با آسیب‌های جدی همراه است. بدین منظور پژوهش حاضر در پاسخ به کسانی که ممنوعیت ازدواج زودهنگام را امری خلاف شرع و قانون می‌دانند، ظرفیت‌های موجود نظام حقوقی ایران را که مشتمل بر فقه، قوانین و مقررات داخلی، اسناد بین‌المللی و آرای محاکم قضایی در منع ازدواج افراد زیر هجده سال است، به شرح زیر شناسایی کرد:

۱. فقها سن مشخصی برای نکاح در نظر نگرفته‌اند، لیکن مشهور فقهای امامیه رسیدن به سن بلوغ را معیار اهلیت نکاح می‌دانند که از جهاتی قابل خدشه است، چراکه اولاً در قرآن کریم - به‌عنوان نخستین منبع فقهی - سن مشخصی برای بلوغ ذکر نشده و معیار اصلی برای پایان دوره کودکی و آغاز مسئولیت در دوره بزرگسالی از منظر قرآن توانایی جنسی (احتلام و حیض) به همراه رشد فکری (تحقق بلوغ اشد) است. از سوی دیگر، مهم‌ترین منبع فقهی - یعنی روایات - نیز معیار واحدی را برای تعیین سن بلوغ بیان نکرده‌اند. به‌علاوه، در برخی کتب روایی شیعی بابی تحت عنوان «کراهت تزویج صغار» وجود دارد. ثانیاً وقتی فقها رسیدن به سن رشد را برای تصرفات مالی کودک لازم دانسته‌اند، به طریق اولی می‌توان وجود شرط رشد در ازدواج را ضروری دانست، به جهت اینکه خسارات ناشی از تصرفات زیان‌آور غیررشد در اموالش به مراتب کمتر از خسارات جسمی، روحی و حتی مالی حاصل از یک ازدواج اشتباه خواهد بود.
۲. فقهای عامه نیز در تعیین سن بلوغ اختلاف زیادی با فقهای شیعه داشته و از پانزده سالگی تا هجده سالگی را به عنوان سن بلوغ ذکر کرده‌اند.
۳. تمسک به مبانی فقهی ازجمله قاعده لاضرر و قاعده سلطنت نیز می‌تواند در منع ازدواج افراد کمتر از هجده سال مؤثر باشد. با توجه به اینکه ازدواج کودک و نوجوان در شرایط اجتماعی فعلی موجب ضرر و زیان جسمی، جنسی، روحی و عاطفی برای وی خواهد شد، با استناد به مفاد قاعده لاضرر، می‌توان از آن جلوگیری کرد. همچنین بر اساس قاعده سلطنت، زمام امور هر فرد - ازجمله اختیار ازدواجش - به دست خود اوست، حال آنکه در مورد افراد کمتر از هجده سال، نوعاً چنین چیزی محقق نشده و آنها غالباً تن به ازدواجی خواهند داد که دیگران توصیه یا حتی اجبار کرده‌اند.
۴. برخی از قوانین و مقررات داخلی کشورمان به «ازدواج در سن مناسب» تصریح کرده و پاره‌ای از قوانین بر «ضرورت سلامت زنان در مراحل مختلف زندگی اعم از بلوغ، ازدواج و باروری» اختصاص یافته‌اند. افزون بر این، قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان» از سویی چتر حمایتی خویش را بر روی همه افراد کمتر از هجده سال تمام گشوده و از سوی دیگر، در صورت ورود آسیب به سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی کودک و نوجوان، وی را مورد حمایت قانونی قرار داده، درحالی‌که ازدواج زودهنگام خود عامل وقوع برخی از این آسیب‌ها مثل بازماندن از تحصیل، سوءرفتار و بهره‌کشی است.

۵. در اسناد بین‌المللی پایان کودکی نسبت به فقه و قوانین داخلی تفاوت دارد، چراکه مبنای پایان یافتن دوران کودکی در فقه و قوانین داخلی «بلوغ» است، در حالی که در این اسناد «رشد» معیار تعیین سن کودک است و هجده سالگی به‌عنوان پایان کودکی در نظر گرفته شده است.

۶. محاکم علی‌رغم تغییر نیافتن قانون، از ازدواج افراد کمتر از سیزده و پانزده سال جلوگیری کنند، چراکه با کمی بررسی مشخص می‌شود که در اکثریت قریب به اتفاق این ازدواج‌ها، یک نقطه مشترک وجود دارد و آن رعایت نشدن مصلحت واقعی طفل است.

پیشنهاد روشن این پژوهش اصلاح و بازنگری ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی و افزایش سن قانونی ازدواج به هجده سال است که به منظور کاهش آثار منفی احتمالی در برخی نقاط کشور نظیر روستاها، می‌توان از سن پانزده تا هجده سالگی، با رعایت شرایطی نظیر احراز مصلحت کودک توسط دادگاه و تأیید مشاوران خانواده، امکان صدور مجوز ازدواج را پیش‌بینی کرد.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، تهران، بی‌تا.
۲. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۸.
۳. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴. شریعتمداری، علی، روان‌شناسی تربیتی، چاپ ششم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۵.
۵. صناعی، یوسف، رساله توضیح‌المسائل، چاپ پنجاه و ششم، قم، انتشارات میثم تمار، ۱۳۸۷.
۶. صفایی، حسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، چاپ نهم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
۷. عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۸. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، چاپ سوم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۱.
۹. محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، چاپ دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ق.
۱۰. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ هشتم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱.

مقالات

۱۱. آذری، هاجر و میراحمدی، منیره، «رویکردهای قضایی به تشخیص مصلحت در ازدواج کودکان»، فصلنامه زن و جامعه، شماره ۱۰ (۴۰)، ۱۳۹۸، صص ۱-۲۸.
۱۲. اسدی، لیلیاسادات (۱۳۸۶)، «بررسی مفهوم کودک با رویکردی به حوزه کیفی»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۱۲ (۴۵ و ۴۶)، ۱۳۸۶، صص ۳۴-۵۸.
۱۳. افتخارزاده، سیده زهرا، «تجربه زیسته زنان در ازدواج زودهنگام»، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، شماره ۱ (۳)، ۱۳۹۴، صص ۱۵۶-۱۰۹.
۱۴. باقری، خسرو، «مراحل رشد»، ماهنامه رشد معلم، شماره ۲۰ (۲۰)، ۱۳۶۳، صص ۱۵-۱۳.
۱۵. دانش‌پور، افتخار و بابایی، پگاه، «بررسی نکاح سفیه از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق ایران»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۲۲ (۶۶)، ۱۳۹۶، صص ۱۱۸-۹۹.
۱۶. شکر، فریده، «بررسی حقوقی سن ازدواج و رشد دختران»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۰ (۴۰)، ۱۳۸۷، صص ۱۵۶-۱۳۱.
۱۷. صالحی، حمیدرضا و اسماعیل‌پور، مانده، «تأملاتی در کودک‌آزاری با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۱۹ (۶۱)، ۱۳۹۳، صص ۱۴۲-۱۱۷.

۱۸. عباسی سرمدی، مهدی و زنگی اهرمی، عهدیه، «بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی»، دوفصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۲۰ (۶۳)، ۱۳۹۴، صص ۴۱-۲۳.
۱۹. مقادادی، محمد مهدی و جوادپور، مریم، «تأثیر ازدواج زود هنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن»، فصلنامه حقوق پزشکی، شماره ۱۱ (۴۰)، ۱۳۹۶، صص ۶۰-۳۱.
۲۰. موسوی بجنوردی، سید محمد، «بلوغ»، پژوهشنامه متین، شماره ۱ (۲)، ۱۳۷۸، صص ۹۸-۸۱.

پایان نامه

۲۱. طوقانی پور، فائزه، «جرائم والدین و سرپرستان قانونی علیه کودکان در نظام حقوقی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع) - پردیس خواهران، تهران، ۱۳۹۰.

قوانین و مقررات

۲۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۲۳. قانون مدنی.
۲۴. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان (۱۳۸۱).
۲۵. قانون حمایت از اطفال و نوجوانان (۱۳۹۹).
۲۶. قانون حمایت از خانواده (۱۳۵۳).
۲۷. قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱).
۲۸. قانون راجع به ازدواج (۱۳۱۶).
۲۹. قانون اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن (۱۳۸۴)، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۰. قانون سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان (۱۳۸۶)، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۱. منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۳)، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۳۲. سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه خانواده (۱۳۹۵).
۳۳. سالنامه آمارهای جمعیتی (۱۳۹۷)، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.
۳۴. طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱ (۱۳۹۷).
۳۵. گزارش اظهار نظر کارشناسی درباره طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱ (۱۳۹۸)، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات حقوقی.
۳۶. گزارش رد طرح اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی اصلاحی مصوب ۱۳۸۱/۴/۱ (۱۳۹۷)، کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی.

ب) منابع عربی

۳۷. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الکافی فی فقه الإمام أحمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۳۸. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق.
۳۹. اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی، مجموعه فتاوی ابن جنید، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۶ق.
۴۰. انصاری، محمد علی، الموسوعه الفقهيہ الميسره، قم، مجمع الفكر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۱. بابرته، محمد بن محمد، العنايه شرح الهدایه، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۴۲. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضره فی أحكام العتره الطاهره، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۴۳. بهوتی، منصور بن یونس، کشاف القناع عن متن الإقناع، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
۴۴. ثعلبی، عبدالوهاب بن علی، التلقین فی الفقه المالکی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۵ق.
۴۵. حلبی، ابن زهره، حمزه بن علی حسینی، غنیہ النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ق.
۴۶. حلبی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، المهذب البارع فی شرح المختصر النافع، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.

۴۷. حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴۸. _____، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴۹. حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، چاپ دوم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
۵۰. _____، المختصر النافع فی فقه الامامیه، چاپ ششم، قم، مؤسسه المطبوعات الدینی، ۱۴۱۸ق.
۵۱. خرشی، محمد بن عبدالله، شرح مختصر خلیل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
۵۲. خوئی، سید ابوالقاسم، مصباح الفقاهه، چاپ چهارم، قم، انصاریان، ۱۴۱۷ق.
۵۳. _____، موسوعه الإمام الخوئی، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۵۴. زحیلی، وهبه بن مصطفی، الفقه الإسلامی وأدلته، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۵۵. سبحانی تبریزی، جعفر، قاعدتان فقهیتان اللاضرر و الرضاع، قم، مؤسسه سیدالشهدا (ع)، ۱۴۰۸ق.
۵۶. سغدی، علی بن حسین، التنف فی الفتاوی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۴ق.
۵۷. سیوطی، عبدالرحمان ابن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه حضرت آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
۵۸. شافعی، محمد بن ادريس، الأم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۹۳ق.
۵۹. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۶۰. طباطبایی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، قم، مؤسسه دارالتفسیر، ۱۴۱۶ق.
۶۱. طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، چاپ سوم، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷ق.
۶۲. _____، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۶۳. _____، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۶۴. عاملی، حر، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۶۵. عاملی کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، چاپ دوم، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ق.
۶۶. عاملی، زین‌الدین بن علی، الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ق.
۶۷. _____، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
۶۸. علیش، محمد بن احمد، منع الجلیل شرح مختصر خلیل، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
۶۹. عمرانی، یحیی بن ابی الخیر، البیان فی مذهب الإمام الشافعی، جده، دارالمنهاج، ۱۴۲۱ق.
۷۰. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
۷۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مفاتیح الشرایع، قم، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۷۳. کمیته حقوق کودکان ملل متحد، ملاحظات نهایی گزارش مشترک سوم و چهارم ادواری جمهوری اسلامی ایران، مترجمان: زهرا جعفری و مریم صفری، مرجع ملی کنوانسیون حقوق کودکان، ۱۳۹۵.
۷۴. ماوردی، علی بن محمد، الحاوی الکبیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
۷۵. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الانوار، چاپ دوم، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۷۶. مرداوی، علی بن سلیمان، الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۹ق.
۷۷. مرغینانی، علی بن ابی بکر، الهدایه فی شرح بدایه المبتدی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۷۸. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة، قم، الامام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۴۱۱ق.
۷۹. موسوی خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
۸۰. _____، کتاب البیع، چاپ چهارم، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ق.
۸۱. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، چاپ هفتم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

ج) منابع خارجی

82. Convention (No. 182) concerning the prohibition and immediate action for the elimination of the worst forms of child labour, 1999.

83. Convention on the Rights of the Child, 1989.
84. International Covenant on Civil and Political Rights & International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.
85. Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the involvement of children in armed conflict, 2000.
86. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

